

بررسی رابطه بین حاشیه‌نشینی و وقوع جرایم وارائه راهکارهای

پیشگیرانه

محمد علی عامری^۱، حمیدرضا کاشف^۲، رضانعلی عبدی^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۳

از صفحه ۶۱ تا ۸۶

چکیده

حاشیه‌نشینی یکی از پیامدهای صنعتی شدن و رشد و توسعه شهرنشینی در کشورهای مختلف اعم از توسعه یافته یا درحال توسعه است. این پدیده، پیامدهای متعددی برای جامعه به دنبال دارد که یکی از مهم ترین آنها انحرافات اجتماعی و افزایش وقوع جرایم می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین حاشیه‌نشینی و وقوع جرایم و ارائه راهکارهای پیشگیرانه در این راستا می‌باشد. این پژوهش از بعد هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته بوده که برای تایید اعتبار آن از روش محتوایی با بهره‌مندی از نظراساتید مدیریت و حقوق و برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده که مقدار آن ۰/۸۹ برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. جامعه مورد مطالعه کلیه ساکنان مناطق حاشیه‌ای شهر اصفهان بوده که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد نمونه ۲۳۵ خانوار از ساکنین انتخاب و ضمن انجام مصاحبه، پرسشنامه بین آنان توزیع گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین بیکاری، درآمد خانواده، مهاجرت، تحصیلات پدر و مادر و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این تحقیق همسو با نظریات قشربندی اجتماعی و به ویژه نظریه محرومیت و همچنین نظریه فشار بوده که مدعی است افراد به دلیل مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد تمایل زیادی به ارتکاب رفتار مجرمانه پیدا می‌کنند.

کلید واژه‌ها

بیکاری، جرم، حاشیه‌نشینی، درآمد، فقر، مهاجرت.

۱- دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی mali.ameri.h@gmail.com

۲- دانشجوی دکترای امنیت داخلی دانشگاه عالی دفاع ملی

۳- دانشجوی دکترای امنیت ملی، گرایش تهدیدات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم قرن جدید، تراکم جمعیت در شهرها، جدایی‌گزینی اقتصادی - اجتماعی در دامن شهرها و شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی و گسترش و آسیب‌های اجتماعی و شهری است. در ایران نیز جریان شهرنشینی در چندین سال گذشته حاشیه‌نشینی را به دنبال داشته و این پدیده در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی امنیتی و زیست محیطی فراوانی را در کلان‌شهرهای ایران به وجود آورده است. واقعیت دیگری را نیز باید به عنوان عامل اساسی در رشد شهرنشینی جهان سوم و به ویژه کشور ایران مورد توجه قرار داد و آن میزان یا درصد بالای مهاجرت از مناطق روستایی به شهرهاست (ربانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۰).

حاشیه‌نشینی یکی از عوارض مهاجرت‌های داخلی از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است که پیوسته توجه برنامه‌ریزان اجتماعی و شهری را به خود جلب کرده است. این پدیده در واقع در پی حرکت این جوامع از سنتی به مدرن و تعارض‌های مرتبط با این فرایند همچنان به تشکیل و بقای خود ادامه می‌دهد و منجر به بروز اشکال ترکیبی بی‌سامان، متفاوت و ناهماهنگ با بافت سنتی نسبتاً یکدست شهری می‌شود. (پارسا‌پژوه، ۱۳۸۱: ۱۶۲) حاشیه‌نشینان خود دارای چالش‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری هستند و از طرفی محیط شهر اصلی را نیز دچار بسیاری از مشکلات اجتماعی مانند ناامنی و نظایر آن می‌کنند (محمدی و دیگران ۱۳۸۷: ۸۶).

حاشیه‌نشینی با جرم رابطه مستقیم و نزدیکی دارد. تنوع، تجمل و اختلاف فاحش و گسترده طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ و گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی موجب می‌شود تا مهاجران غیرمتخصص که درآمد آنان کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد به منظور برآورده کردن نیازهای خود، به هر کاری هرچند غیرقانونی دست بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کجروی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و ارتکاب جرایم گسترش می‌یابد (ستوده، ۱۳۷۶: ۷۷).

بیان مسأله

تجمع مهاجران با فرهنگ‌های متعدد در حاشیه شهرهای بزرگ همراه با معضلات ناشی از فقدان اشتغال منجر به بزهکاری و ایجاد مناطق تبهکاری می‌شود. مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناسی شهری نشان داده است که زندگی حاشیه‌نشینی با افزایش جرم‌زایی رابطه مستقیم و نزدیکی دارد و گاهی این رابطه دوسویه است یعنی حاشیه‌نشینی و جرم علت و پیامد یکدیگرند. همچنین از بعد اقتصادی، افزایش مهاجران غیرمتخصص موجب پیدایش بیکاری پنهان و توسعه غالباً غیرضروری بخش خدمات می‌شود.

شهر اصفهان نیز به تبع گسترش شتابان شهرنشینی با پدیده حاشیه‌نشینی در بعضی از مناطق پیرامونی مواجه شده است به طوری که سطح زندگی در این مناطق از نظر کیفی نسبت به سایر مناطق و محله‌های شهری اصفهان متفاوت است و در سطح بسیار پایینی قرار دارد. لذا در این تحقیق به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که: رابطه بین پدیده حاشیه‌نشینی و وقوع جرایم در سطح شهر اصفهان چگونه بوده و راهکارهای پیشگیرانه در این زمینه کدامند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه نابهنجاری‌ها و رفتارهای اخلاص‌گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تکدی‌گری و سرقت گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی‌اند به نوبه خود قطعاً زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می‌نمایند. همان طوری که اگر پنجره‌ای از ساختمان بشکند و همچنان تعمیر نشده رها گردد به زودی کل ساختمان منهدم خواهد شد. برای پیشگیری از انهدام اجتماع نیز باید به محض شکسته شدن اولین هنجار فوراً با هنجار شکن برخورد کرد. موضوع حاشیه‌نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم‌شناسان بوده است. اینکه جرایم در مناطق حاشیه‌ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می‌افتد مورد پذیرش همه است و آمارهای اخذ شده از پرونده‌های مطروحه در دادگستری نیز حکایت از این واقعیت دارد.

در این مقاله ابتدا تصویر و چهره‌ای از حاشیه‌نشینی و علل شکل‌گیری آن را ترسیم می‌کنیم، سپس جرایمی که در این مناطق معمولاً اتفاق می‌افتد و نقش دستگاه‌های عمومی و دولتی در شکل‌گیری حاشیه و وقوع جرایم و نیز توصیه‌هایی جهت پیشگیری از وقوع جرم در این مناطق را بیان خواهیم کرد.

پیشینه تحقیق

به دنبال وقوع تحولات شهری و رشد سریع و ناهمگون شهرنشینی در ایران، پدیده حاشیه‌نشینی ابتدا در تهران و سپس در سایر کلان‌شهرهای کشور شکل گرفت. در سال ۱۳۵۰، بنابر درخواست سازمان برنامه و بودجه، طرح وسیعی برای مطالعه و بررسی وضعیت حاشیه‌نشینی در کشور، توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز گردید. این طرح با مطالعه وضعیت حاشیه‌نشینان تهران شروع و سپس سایر شهرهای بزرگ کشور چون، بندرعباس، همدان، کرمانشاه و اهواز را نیز شامل شد.

مجید احسن و مصطفی نیرومند (۱۳۵۱)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - بخش جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (۱۳۵۱)، محمد حسین کازرونی (۱۳۵۲)، حسین شکویی (۱۳۵۴)، فرخ حسامیان (۱۳۵۹)، کریم حسین زاده دلیر (۱۳۶۱)، علی اصغر مقدم (۱۳۶۵)، پرویز پیران (۱۳۶۷)، سید سعید زاهد زاهدانی (۱۳۶۹)، محمدعلی احمدیان (۱۳۷۱)، کمال اطهاری و بهزاد خالقیان (۱۳۷۲)، مینور رفیعی (۱۳۷۲)، محمود هدایت (۱۳۷۳)، نصر الله پورافکاری (۱۳۷۳)، حمیده امکچی (۱۳۷۳)، ناصر مشهدی زاده دهاقانی (۱۳۷۵)، سهیلا بستکی (۱۳۷۵)، موسی کمانرودی (۱۳۷۶)، فیروز آقایی (۱۳۷۸)، مهرداد جواهری پور (۱۳۷۹)، آصف بیات (۱۳۷۹)، علی اصغر زمانی (۱۳۷۹)، سعید خوب آیند (۱۳۷۹)، گیتی اعتماد (۱۳۸۰)، اسفندیار خراط زبردست (۱۳۸۰)، محمد شیخی (۱۳۸۰)، علی حاج یوسفی (۱۳۸۰)، سهراب مشهودی (۱۳۸۱)، و حسین حاتمی نژاد (۱۳۸۲)، افرادی بوده‌اند که تقریباً آثار اولیه در زمینه حاشیه‌نشینی در شهرهای مختلف کشور تهیه نموده‌اند.

در بیشتر این آثار به توصیف مناطق حاشیه‌بسنده شده و در مواردی نیز مسایل مناطق مذکور بیان گردیده است. تعداد زیادی از پژوهشگران فوق، علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی را در مهاجرت افراد فقیر از حوزه‌های پیرامون و افزایش جمعیت شهرها دانسته‌اند.

مبانی و چارچوب نظری

مفهوم حاشیه‌نشینی

صاحب نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه‌نشینی ارائه کرده‌اند برخی عقیده دارند حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده‌اند. چارلز آبرامز حاشیه را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است. وی حاشیه‌نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. تعبیری که از حاشیه‌نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود. البته به نظر می‌رسد که به تعبیر یاد شده باید اوصافی چون عدم امنیت، جرم‌زا بودن و نیز مامن و پناهگاه امن برای بزهکاران را اضافه نمود. مارشال کلینارد می‌گوید: حاشیه‌نشینی مساله و عارضه‌ای شهری است و منشاء عمده بزهکاری و جرم می‌باشد که دارای اشکال مختلفی است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت، حاشیه‌نشین فردی است مهاجر یا غیرمهاجر که به دلیل فقدان ریاست و تخصص صنفی و نبود بنیان‌های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم شهری در حاشیه واقع شده است. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پس ران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج به کانون‌های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آنها غالباً غصبی است و همچنین این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تمایز دارند (آقابخشی، ۱۳۸۲: ۱۵).

تاریخچه حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی یک پدیده اجتماعی است و این پدیده اختصاص به عصر فعلی نداشته و ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد و این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد. تنها تفاوت آن در کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه‌های تاریخی بوجود آورنده آن و رفتار کالبدی و اجتماعی آن می‌باشد. کشور ایران و از جمله شهر اصفهان نیز از این پدیده مصون نمانده منتهی شرایط حادی که در برخی از کشورها از جمله برزیل، هندوستان، پرو و برخی کشورهای آفریقایی وجود دارد در کشور ما، حاکم نیست ولی از حیث قدمت مشابه سایر کشورها می‌باشد، در ایران پیش از آغاز دهه چهل، شهرنشینی رشد کندی داشت و در آستانه دهه چهل حدود ۳۳ درصد از جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کردند. با اجرای طرح اصلاحات ارضی در آن دهه و افزایش درآمدهای نفتی در دهه پنجاه، رشد شهرنشینی شتاب بیشتری گرفت و این رشد چنان سرعت یافت که در سال ۱۳۵۷ جمعیت شهرنشین کشور به ۶۴ درصد رسید و در وضعیت فعلی به طور یقین این نسبت به سود شهرنشینی افزایش یافته است. و چون قشر عظیمی از این حاشیه‌نشینان مهاجرین از روستاها یا شهرهای کوچک هستند مشکل فرا روی آنها این است که کجا سکونت گزینند؟ آنها در پی تهیه زمین جهت احداث مسکن، به لحاظ ارزانی حاشیه و اطراف شهر به این مناطق روی می‌آورند و مناطقی را تشکیل می‌دهند که رفته رفته، این مناطق خود تبدیل به شهری می‌شود با حاشیه‌های مملو از سکونت‌گاههای غیر رسمی و اسلام شهر تهران که در گذشته شادی شهر نامیده می‌شد نمونه بارز آن است و این چنین است که حاشیه‌نشینی شکل گرفته است (اسداللهی، ۱۳۸۴).

علل حاشیه‌نشینی

در خصوص ایجاد پدیده حاشیه‌نشینی علل مختلفی می‌تواند مؤثر باشد از جمله:

- ۱- کمی در آمد روسای خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره‌بها
- ۲- دافعه‌های مبدأ (مثل بی‌چیزی، نداشتن زمین) موجب گریز ساکنین آن از زادگاه‌های خویش و سرازیر شدن آنها به سوی شهرها می‌شود و هزینه بالای زندگی شهری موجب پدید آمدن کانون‌های حاشیه‌نشینی می‌شود.

۳ - عامل دیگر قطعه‌بندی‌های بزرگ زمین است که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم‌درآمد و کم‌بضاعت گرفته می‌شود و به ناچار به مناطق حاشیه‌نشینی پناه می‌برند.

۴ - فقدان منطقه‌بندی و کاربری نامناسب زمین. اگر شهرها به صورت مناسب منطقه‌بندی و توسعه نیابند زمینه برای ساخت و سازهای غیر مجاز فراهم شده و محلات زاغه‌نشینی به وجود خواهد آمد. همچنین چنانچه زمینهای مناسب برای خانه-سازی به کاربری صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص یابد ممکن است محلات فقر‌نشین شکل بگیرند.

۵ - مهاجرت، از عوامل موثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی است مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می‌باشد.

۶- در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشینی حداقل در گسترش آن نقش و تأثیر عملکرد ادارات و دستگاه‌های دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت. برخی از اراضی داخل یا خارج شهرها متعلق به سازمانها و ادارات دولتی و عمومی از جمله شهرداری‌ها، سازمان مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی و منابع طبیعی می‌باشد. شناسایی حدود اربعه آن و حفاظت از آن حائز اهمیت است در پاره‌ای موارد در پرونده‌های مطروحه در دادگاه‌ها مشاهده می‌شود که اراضی دولتی مورد تصرف و تعرض افرادی سودجو واقع شده و حتی به صورت متعدد مورد خرید و فروش واقع شده و همچنین در مواقعی مورد ساخت و ساز قرار گرفته، ولی ادارات یا نهادهای یاد شده اطلاعی از چنین اقداماتی حاصل نمی‌نمایند و به تبع آن در تعقیب عامل یا عاملین جرم بر نمی‌آیند و یا مواقعی اقدام می‌نمایند که اراضی آنها به ایادی متعددی منتقل و در زمان طرح شکایت به لحاظ پیچیدگی موضوع و نقل و انتقالات متعدد و سپری شدن مدت طولانی از زمان تصرفات اراضی دولتی رسیدگی قضایی مستلزم صبر و حوصله و دقت بیشتر و زمان نسبتاً طولانی می‌باشد. چه بسا این تصرفات و تعارضات به اراضی دولتی موجب تجزیه آن و رواج ساخت و سازهای غیر مجاز و نتیجتاً شکل‌گیری حاشیه‌نشینی می‌شود(زاهدی، ۱۳۸۳: ۴۵).

اوصاف عمومی مناطق حاشیه‌نشینی

۱- سیمای نامطلوب: عمده‌ترین نماد جهانی حاشیه‌نشینی سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می‌آزارد، گذرگاه‌ها و معابر پرپیچ و خم و کم‌عرض بوده و معمولاً راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش‌نشانی، اورژانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و خطرات وجود ندارد.

۲- پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی: حاشیه‌نشین‌ها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است. انباشت زباله‌ها و عدم جمع‌آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه‌ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگی‌های صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است.

۳- فقدان شغل رسمی و درآمد کافی: اکثر خانواده‌های حاشیه‌نشین، شغل رسمی برای تأمین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه‌گذاری می‌باشند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مثل دست‌فروشی، کوپن‌فروشی، تکدی‌گری، زباله‌دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می‌آورند. بر حسب آمارهای موجود حدود ۲۰ درصد افراد این مناطق فاقد شغل می‌باشند(زاهدی، ۱۳۸۳: ۵۶).

۴- وجود خرده فرهنگ‌های خاص مناطق کوچک: در مناطق حاشیه‌نشین خرده‌فرهنگ‌های خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می‌شود. این فرهنگ‌ها بسیار دیر جذب فرهنگ‌های شهری می‌شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد، امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آنها برای اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می‌کند.

۵- تراکم جمعیت: ترکیب سنی جمعیت در این مناطق نشان می‌دهد که علیرغم جوان بودن بیشتر رؤسای خانواده‌ها، بعد خانواده وسیع است. متوسط تعداد جمعیت هر خانوار حدود ۵/۴ در صد می‌باشد که با در نظر گرفتن مساحت کم منازل موجود در مناطق حاشیه‌نشینی به تراکم بیش از حد جمعیت در این مناطق پی خواهیم برد.

۶- فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی و پایین بودن سطح سواد و تحصیلات: به لحاظ پایین بودن سطح آگاهی و مشکلات معیشتی و فقدان امکانات آموزشی و غیره نرخ باسوادی بسیار پایین است و حسب تحقیقات انجام شده حدود ۵/۲ درصد افراد این مناطق میزان تحصیلات خود را در سطح دیپلم و فوق دیپلم بیان کرده‌اند. لذا افت تحصیلی و آموزشی شدیدی در این مناطق دیده می‌شود.

۷- اعتیاد: از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می‌توان نام برد معمولاً در مناطق حاشیه‌نشین بسیاری از این عوامل قابل رؤیت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد افیونی روز به روز افزایش می‌یابد.

۸- منبع و مرکز انحرافات و کجروی‌های اجتماعی: فقر و ناتوانی یا عدم تمایل بازار رسمی اقتصاد شهر به جذب حاشیه‌نشینان، آنان را به بازار فعالیتهای غیررسمی می‌کشاند. بازاری که بخشی از محصولات آن در زمره امور ممنوع و بزهکارانه مثل مواد مخدر، دزدی و فحشاء هستند. کمبود یا فقدان مراکز تامین خدمات امنیتی و انتظامی مانند پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها در این مناطق آنها را بدل به مراکز امن برای افراد و گروه‌هایی کرده که به شیوه‌های بزه‌کارانه ارتزاق می‌نمایند (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۳).

نظریه‌های مهم در زمینه حاشیه‌نشینی

در مورد ارتباط حاشیه‌نشینی و جرم دو نظریه رایج وجود دارد: یکی دیدگاهی که بر عوامل اجتماعی کلان تاکید می‌کند و دیگری دیدگاهی که بر عوامل سطح فردی تاکید دارد. برخلاف دیدگاه فردی که معتقد است میزان جرایم محصول رفتارهای انحرافی تک تک افراد است در دیدگاه‌های کلان بر نقش جامعه و ساختارهای اجتماعی تاکید می‌کند.

دیدگاه قشربندی اجتماعی معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه گرچه سابقه طولانی دارد اما دونسخه فرعی آن بر تحقیقات مختلف درباره حاشیه‌نشینی و جرم تسلط داشتند. دیدگاه نخست که مدل محرومیت مطلق خوانده می‌شود بر تاثیر جرم‌زای فقدان درآمد مکفی برای تامین نیازهای معیشتی

اولیه تأکید دارد و معتقد است ارتکاب جرایم یکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنین مناطق فقیرنشین است. علاوه بر این "مدل فقر مطلق"، تأکید می‌کند که تاثیرات استرس‌زا و غیرانسانی زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی، ناکامی-هایی را ایجاد می‌کند که از طریق خشونت‌های جسمی و فیزیکی ابراز می‌شود(حکمت نیا و افشانی، ۱۳۸۹: ۷۲).

نسخه دیگر دیدگاه قشربندی اجتماعی، "مدل محرومیت نسبی" خوانده می‌شود که بیشتر بر ابعاد جرم‌شناختی نابرابری اقتصادی - اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق. نظریه معروف دیگری که برای بررسی رابطه جرم و حاشیه‌نشینی وجود دارد تحت عنوان "نظریه فشار" است که به بلوکه شدن فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی به عنوان عاملی در جرم و بزه‌کاری توجه کرده و بر اساس این نظریه، زمانی که افراد نتوانند در کسب اهداف موردنظرشان موفق شوند با فشارهایی مواجه می‌گردند که در شرایط خاص برای واکنش به این فشارها احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد(رییس دانا، ۱۳۸۰: ۲۶).

نظریات و تئوری‌های جرم‌شناسی در خصوص تاثیر محیط بر ارتکاب جرایم:

در سال ۱۸۷۶ میلادی کتاب مشهور سزار لمبروزو پزشک معروف ایتالیایی تحت عنوان «انسان جنایتکار» منتشر شد. لمبروز در این کتاب تیپ مجرمانه ای ترسیم نمود و اوصاف و خصوصیات غیرعادی که در بزهکاران بود را دسته بندی کرد. ایشان عقیده به مجرم مادرزادی یا بزهکاری بالفطره داشت و این افراد به وسیله نشانه‌هایی قابل شناسایی بودند. در این نظریه تأثیر عوامل خارجی، محلی از اعراب نداشت و مدنظر واقع نگردیده بود. از همان دوران، این نظریه مورد اعتراض و انتقاد جامعه شناسان و جرم شناسان واقع شد و حتی خود لمبروز از چاپ سوم کتاب خویش نسبت به تعدیل نظریات خود اقدام کرد و اظهار داشت که حدود ۳۵ درصد مجرمین دارای این اوصاف فیزیکی می‌باشند و بر اثر این انتقادات بود که نظرها معطوف به تاثیر محیط در وقوع جرایم شد و مکاتب و تئوری‌های متعددی در این خصوص ابراز گردید که به برخی از آنها مختصراً اشاره می‌شود(حکمت نیا، ۱۳۸۹: ۸۷).

۱- تئوری دورکیم: دورکیم جامعه شناس معروف فرانسوی و بنیانگذار جامعه شناسی، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می‌کند و در

نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و همچنین معتقد است که بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد. دورکیم با اظهار نظرات خویش راه را برای بررسی محیط‌های متفاوت که در آن مجرمین و غیرمجرمین زندگی می‌کنند هموار کرد و تحقیقات گسترده‌ای توسط جامعه شناسان و جرم شناسان در خصوص تأثیر محیط بر وقوع جرایم صورت پذیرفت (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۵).

۲- مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی: لاکاسانی و مانووریه منشاء تبهکاری را در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی یافته‌اند. طبق نظریه مکتبی که لاکاسانی پایه‌گذار آن است مجرم یک بیچاره نظام اجتماعی است و نقص سازمان اجتماعی او را جنایتکار کرده است. به عقیده ایشان بزهکار یک میکروب اجتماعی است و هر میکروب در محیط خاصی رشد و نمو می‌نماید و وجود شرایط مساعد در محیط، موجب رشد و ظهور تبهکاری می‌گردد. لاکاسانی می‌گوید: «هر جامعه ای دارای تبهکاران مخصوص به خود است و تبهکاران مولود اجتماع خود هستند و اگر محیط اجتماعی آمادگی برای پروردن مجرم نداشته باشد، فعالیت و رشد آنها عقیم می‌ماند (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۷).

۳- تئوری ادوین ساترلند: ادوین ساترلند از جرم شناسان معروف آمریکاست. ایشان عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد تا غیر جرم‌زا، شانس و احتمال قانون‌شکنی‌اش افزایش می‌یابد. به علاوه ساترلند اظهار می‌نماید که اشخاص در معرض عوامل جرم‌زا واقع می‌شوند که برای سهیم بودن در همان فرهنگ، علایق و عقایدی داشته باشند و در آن اشکال معینی از رفتار ضداجتماعی و جنایی ممکن است مورد اغماض واقع شده و مردم احساس کنند که برای همنوایی به آنها نیاز دارند. در این راستا، پارکر، شاو و مک کی محققان آمریکایی ثابت کرده‌اند که در مناطق کثیف همراه با از بین رفتن کنترل‌های اجتماعی که به وسیله آنها مردم به رعایت قیود نیز اعتقاد پیدا می‌کنند، اعمال جنایی به شکل طبیعی جلوه می‌کند. (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۲۶)

۴- نظریه مرتن: مرتن مفهوم نظریه دورکیم را ماهرانه مورد بررسی مجدد قرار داده و عقیده دارد که اگر از لحاظ فرهنگی اهداف تجویز شده برای فرد غیرقابل حصول گردد (همچنان که برای بیشتر افراد جوان و طبقه کارگر و طبقه پایین پیش می‌آید)

بین آنچه برای به ایده‌آل بودن پایدار می‌ماند و آنچه قابل حصول است اختلاف حاصل می‌شود و نتیجه آن به سرخوردگی و سرکشی بعدی منجر می‌شود.

۵- تحقیقات مرکز جرم شناسی و کرسون پاریس: تحقیقات متخصصان این مرکز نشان می‌دهد که ۲۳ درصد جوانان مجرم در مناطقی زندگی کرده‌اند که دارای جمعیت زیاد بوده و ۲۲ درصد آنها در ساختمان‌هایی زندگی کرده‌اند که علاوه بر کثرت جمعیت، مشکل مسکن نیز وجود داشته است. دکتر لافون و خانم میشو در سال ۱۹۷۶ تحقیقاتی در شهر گرانونیل فرانسه انجام داده و به روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان‌آور است بوده‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان در این محلات و ساختمان‌های مخروبه از حد متوسط مجموع بزهکاری شهرها زیادتر بوده است. در واقع ۱۸ درصد بزهکارانی که جرایم گوناگون مرتکب شده‌اند اغلب در محله‌های مخروب و ناسالم ساکن بوده و ۳۵ درصد آنها کسانی بودند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد ساکن بودند. این پژوهشگران نهایتاً رابط محیط سکونت و بزهکاری را تأیید می‌نمایند (ریترز، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

جهات تأثیرگذار محیط زندگی بر ارتکاب جرایم

قطعا در وقوع جرم، محیط اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی تأثیر بسزایی دارد که این امر به اثبات رسیده و در حال حاضر جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و حقوق دانان آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند و نظریات و نتیجه تحقیقاتی که انجام شده و به برخی از آنها اشاره شد مبین تأثیرگذاری محیط در وقوع جرایم می‌باشد حال به برخی از جهاتی که به عنوان محیط اطراف فرد موثر در ارتکاب جرم بوده و شامل تأثیر مسکن و نوع آن در وقوع جرم، تأثیر ساکنان منزل در وقوع جرم و وضع ظاهری مسکن و نیز ارزش و طبع مسکن و نقش جرم‌زایی همسایگان است، اشاره کنیم.

الف - مسکن و نقش جرم‌زایی آن: مسکن هر خانواده ای نشانگر سطح اجتماعی و اقتصادی والدین آن خانواده است. والدین با انتخاب محل جغرافیایی مسکن خویش، مستقیماً اطرافیان اجتماعی کانون خانواده خود را در جامعه انتخاب می‌نمایند و موقعیت کانون خانواده به نوبه خود و در حد وسیعی به برخورد کودک با انواع الگوها و

سرمشقهای رفتار دامن زده و از این رهگذر اثرات خوب یا بدی حسب مورد در شکل گیری شخصیت کودک به جا می‌گذارد. اگر کانون خانواده در منطقه‌ای قرار گرفته که هر روز و بلکه هر ساعت مملو از وقوع جرایم مختلفی می‌باشد، احتمال برخورد کودک با نمونه‌های متعددی از بزهکاری بیشتر است، نسبت به منطقه‌ای که این اعمال مجرمانه در آن بندرت اتفاق می‌افتد. نتیجه اینکه برخورد و مواجهه با اعمال مجرمانه تأثیر مستقیم در افزایش اعمال مجرمانه دارد.

ب - ساکنان مسکن و نقش جرم‌زایی آنها : مسکن اگر فاقد حداقل استانداردهای مورد پذیرش شهرسازان و جامعه شناسان و جرم شناسان نباشد و مساحت آن به نسبت ساکنین آن کمتر باشد چه بسا آثار سوء و شومی بر ساکنین آن منزل و به خصوص به کودکان و نوجوانان آن منزل خواهد داشت. از جمله این آثار سوء تحت تأثیر قراردادن حیات جنسی کودکان و نوجوانان می‌باشد. اگر والدین و کلیه اعضای منزل در یک اتاق شب را به سر برند و چه بسا روابط جنسی زن و شوهر تأثیر مخرب در کودک گذارده و موجبات بی بند و باری و انحرافات جنسی در آنها می‌شود. مبرهن است که در چنین کاشانه‌های محقری احتمال وقوع جرایمی مثل زنا با محارم بیشتر از سایر منازل می‌باشد. نتیجه تحقیقات انجام شده در مرکز وکرسون فرانسه نشانگر این است که حدود ۴/۲۳ درصد از موارد بزهکاری ناشی از کثرت جمعیت داخلی منزل می‌باشد. همچنین کثرت جمعیت در محلاتی که از خانواده‌های محقر و ناسالم تشکیل شده میزان بزهکاری بیشتر از سایر محلات است. (کسل، ۱۳۸۳)

ج - ارزش مسکن، به بیان دیگر کیفیت مسکن و نقش جرم‌زایی آن: کیفیت مسکن موثر در بروز بیماری‌ها و نیز موثر در بزهکاری است. نتیجه تحقیقات جرم شناسان مبین این امر است که تأثیر کیفیت مسکن در بزهکاری ۴ برابر بیشتر از تأثیر آن در بیماری است و حدود ۱۷ درصد از بزهکاران و ۴ درصد از بیماران در خانه‌های پست و کثیف منزل داشته‌اند.

د - همسایگان و نقش جرم‌زایی آنان: رفتار و برخورد همسایگان در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان تأثیر بسزایی دارد و این رفتارها و برخوردها می‌تواند در شکل گیری شخصیت ضداجتماعی نقش موثری را ایفا نماید. (کوزر، ۱۳۷۳ : ۲۶۵)

اعمال مجرمانه یا بزهکارانه در مناطق حاشیه‌نشینی:

الف - اعمال مجرمانه یا بزهکارانه قبل یا در حین شکل‌گیری حاشیه‌نشینی

۱ - تغییر کاربری اراضی: با عنایت به اینکه معمولاً کاربری اراضی که به عنوان حاشیه‌نشینی شکل گرفته غیر مسکونی است و ممکن است دارای کاربری‌های زراعی، باغات و فضای سبز باشد لذا اولین قدم در ایجاد حاشیه‌نشینی نقض مقررات مندرج در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴ و لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ و قانون منع واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی مصوب ۱۳۸۱ می‌باشد. در حال حاضر تعداد زیادی پرونده در شعبات مختلف دادگاه‌ها در این موارد تشکیل شده و در جریان رسیدگی است (سخاوت، ۱۳۸۳: ۵۹).

۲- تصرف عدوانی: مطابق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تصرف عدوانی جرم است و در صورت احراز شرایط مندرج در ماده مرقوم مرتکب به یک ماه تا یک سال حبس و رفع تصرف عدوانی محکوم خواهد شد. چون از خصایص اراضی حاشیه‌نشینی تصرف عدوانی و بدون اجازه مالک اصلی آن اراضی، توسط مهاجرین می‌باشد، لذا طرح و اقامه دعای در این خصوص اعم از جنبه کیفری و حقوقی آن از معضلات دادگستری‌ها می‌باشد و چون معمولاً دلایل ارایه شده از سوی طرفین برای اثبات مالکیت، اسناد عادی یا شهادت شهود می‌باشد که از ناحیه هر دو طرف و بر علیه همدیگر ارایه می‌شود، رسیدگی و احراز صحت ادعای هر یک از طرفین کاری سخت و طاقت فرسا و وقت گیر می‌باشد. پرونده‌های بسیاری در محاکم مطرح شده که معمولاً تأخیر در فصل خصومت در خصوص آن موجب بروز اختلافات و احیاناً جرایم دیگری می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۶: ۹۶).

۳- فروش مال غیر: زمینی که اساساً مالکیت آن نسبت به فرد متصرف (حاشیه‌نشین) به اثبات نرسیده از ناحیه ایشان مورد تصرف و احداث بنا غیر مجاز واقع می‌گردد و سپس مورد نقل و انتقال به وسیله اسناد عادی و حتی اسناد رسمی مالکیت که در اجرای مادتين ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اعطا شده، قرار می‌گیرد و مالک اصلی زمین که در مواردی دولت نیز می‌باشد در جریان این روند قرار می‌گیرد و به استناد سند مالکیت رسمی خویش و دفتر املاک اداره ثبت در مقام اقامه شکایت بر می‌آید و

چون در بیشتر موارد منشاء مالکیت شخص متصرف (حاشیه‌نشین) مشخص نمی‌باشد لذا در این موارد جرم انتقال مال غیر اتفاق افتاده و مرتکب را به استناد قانون راجع به مجازات انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۷ و ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام از یک سال تا ۷ سال و نیز رد مال و همچنین جزای نقدی معادل مال مزبور محکوم نمود.

۴- ساخت و سازهای غیرمجاز: هرچند مرجع صالح برای رسیدگی به ساخت و سازهای غیرمجاز کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری است ولی مطابق آیین نامه امور خلافی دادگستری نیز از حیث تعیین مجازات ارتکاب امر خلافی (ساخت و ساز غیرمجاز) که جریمه به مبلغ بسیار ناچیزی است صلاحیت رسیدگی دارد. همچنین در بسیاری از موارد در مقام مقابله پلیس ساختمان با ساخت و سازهای غیرمجاز، جرایم دیگری از جمله ضرب و شتم، توهین و اهانت، تهدید و تخریب به وقوع می‌پیوندد که همگی آمار موجودی دادگستری‌ها را به شدت افزایش می‌دهند و موجب تراکم کار در این مرجع می‌گردند(میری آشتیانی، ۱۳۸۲ : ۷۶).

ب - اعمال مجرمانه یا بزهکارانه در بعد از شکل گیری حاشیه‌نشینی:

۱- سرقت: سرقت از جمله جرایم علیه اموال است و جرم‌شناسان عللی را برای آن برشمرده‌اند از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقام‌جویی و کینه و حسد. بیشتر علل یاد شده را می‌توان در مناطق حاشیه‌نشین مشاهده نمود. در بیشتر موارد این افراد در محل‌های مرفه‌نشین، یا متوسط شهر اقدام به سرقت می‌نمایند. تجربه نشان داده است که بیشتر متهمین پرونده‌های سرقت ساکن محلات حاشیه ای بوده‌اند. ضمناً محلات حاشیه ای بهترین مکان جهت اخفاء اموال ناشی از سرقت می‌باشد. چون در این محلات کنترل پلیسی و انتظامی محدود است، لذا این محلات تبدیل به مأمن و سرپناه امن برای مجرمین شده است. صرف نظر از سرقت‌های شایع که به آن اشاره شد در مناطق حاشیه‌نشین سرقت برق، آب و گاز و تلفن نیز شایع است. چون این مناطق خصوصاً در مراحل اول شکل‌گیری آن فاقد خدمات فوق هستند به نحوی از انحاء و با انجام سیم کشی‌ها و لوله کشی‌های پنهانی اقدام به سرقت آب، برق، گاز و تلفن از نزدیکترین محل ممکن (اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و خدماتی) می‌نمایند که این اقدامات در قانون عنوان مجرمانه خاصی دارد و مطابق ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی

که بیان داشته: «هرکس بدون پرداخت حق انشعاب و اخذ انشعاب آب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آن نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به تحمل تا ۲ سال حبس محکوم خواهد شد» قابل مجازات است. و این اقدامات غیرمجاز در پاره ای از موارد منجر به وقوع حوادثی چون قتل، و مصدومیت نیز می شود (میری، ۱۳۸۴: ۸۲).

۲- قتل عمد: تعارض خرده فرهنگ‌ها، خصومت و اختلافات دیرینه، سودجویی و تحصیل اموال، جریحه دار شدن غیرت و آبرو و نزاع‌های اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل می‌باشد. این علل و عوامل به روشنی در مناطق حاشیه‌ای قابل رویت می‌باشد. بیشتر قتل‌های اتفاق افتاده یا در این مناطق صورت می‌گیرد یا توسط کسانی که در این مناطق زندگی کرده‌اند به وقوع می‌پیوندد. در دادگاه‌ها نمونه‌های فراوانی از این نوع قتل‌ها وجود دارد. مثلاً فردی در یک محله حاشیه‌نشینی به لحاظ نفوذ رطوبت از ساختمان همسایه (که معمولاً هر دو ساختمان به صورت غیرمجاز احداث شده) و به تبع آن درگیری حادث و نهایتاً اقدام به قتل همسایه به وسیله اسلحه شکاری نموده است. یا فردی که ساکن یکی از مناطق حاشیه‌نشین تبریز است در منطقه اسپیران و در محل دفن زباله‌های شهری، بر سر مسأله جمع‌آوری زباله و ضایعات با اهالی روستای آن‌اخاباتون درگیر شده و با استفاده از اسلحه شکاری یک نفر را به قتل رسانده و یازده نفر دیگر را مجروح کرده است. در یک مورد دیگر و در یک منطقه حاشیه‌نشین تبریز، فردی بلحاظ اختلافات و خصومت‌های دیرینه اقدام به ربودن طفل ۵ ساله نموده و پس از تجاوز به وی نامبرده را به قتل رسانده بود و همچنین قتل‌هایی که به لحاظ وقوع نزاع‌ها و درگیری‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای در این مناطق تبریز اتفاق می‌افتد قابل ذکر می‌باشد (ستوده، ۱۳۷۶: ۸۲).

۳- نزاع‌های دسته‌جمعی: از جرایم شایع در مناطق حاشیه‌ای می‌باشد چون ساکنین این مناطق معمولاً مهاجرین از روستاها و ایل‌ها می‌باشند و معمولاً در یک محل و در نزدیک هم سکنی می‌گزینند و در مواقعی به سبب درگیری‌های جزئی حادث شده بین دونفر و حتی کودکان نزاع‌های دسته‌جمعی شدیدی که معمولاً منجر به کشته و زخمی شدن عده ای از منازعه‌کنندگان می‌شود، رخ می‌دهد. قتل‌هایی که در این نزاع‌ها اتفاق می‌افتد معمولاً ده درصد قتل‌های واقع شده می‌باشد. ضمناً عدم نظارت و کنترل دقیق

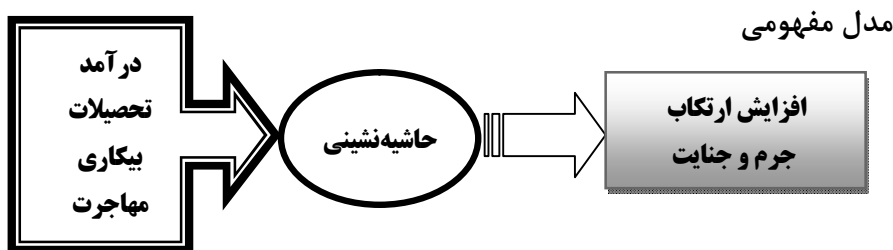
انتظامی و عدم امکان دسترسی سریع به پلیس را نیز می‌توان در حصول نتایج تاسف‌بار این نزاع‌ها موثر دانست.

۴- تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست: ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: « هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه مطابق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». در مناطق حاشیه‌نشینی، فاضلاب منازل در کوچه‌ها رها شده، جدول کشی و کانال کشی مناسبی جهت هدایت این آبهای کثیف وجود ندارد و این آبها در سطح کوچه‌ها در جریان است. خدمات شهری مثل جمع آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهرها وجود دارد در این مناطق دیده نمی‌شود و در برخی از منازل احشام نگهداری می‌شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می‌شود. کشتارهای غیرمجاز و غیر بهداشتی در این مناطق صورت می‌گیرد و همه این موارد از مصادیق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط زیست می‌باشد که قابل تعقیب کیفری هستند. همچنین تخلفات بهداشتی که در اماکن عمومی مناطق حاشیه ای مثل مغازه‌ها و نیز آلودگی‌های صوتی و آلودگی هوا که در این مناطق مشهود است نیز از همین نوع می‌باشد. اخیراً در یکی از مناطقی که در شرف شکل‌گیری حاشیه جدیدی در تبریز بود و ساخت و سازهای غیرمجاز آن تخریب شده بود چند رأس الاغ به صورت زنده یا سربریده کشف شده است و نشان می‌دهد که برخی افراد سودجو گوشت آن را جهت استفاده مردم عرضه می‌کردند.

۵- اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی: توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. و به لحاظ فقر علمی و آگاهی ساکنین این مناطق و بیکاری وسیع و جهت رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می‌باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی

نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه به کسب سود نائل می‌آیند. مثال بارز چنین مناطقی منطقه خاک سفید تهران می‌باشد. همچنین ساخت مشروبات الکلی در منازل حاشیه ای شهر بیشتر به چشم می‌خورد و توزیع آن در همان منطقه یا محلات داخلی شهر صورت می‌گیرد بیشتر این جرایم و مصائب به لحاظ فقدان یا کمبود مراکز تامین خدمات امنیتی و انتظامی اتفاق می‌افتد و عملاً این محلات تبدیل به مراکزی امن و خالی از خطر برای افراد و گروههایی شده که به شیوه‌های بزهکارانه و مجرمانه ارتزاق می‌نمایند. انزوای اجتماعی و نبود اعتماد سبب شده تا رفتارهای مشارکتی نیز در میان ساکنان مناطق حاشیه‌ای شکل نگیرد و امکان بهره برداری از ابزارهای مشارکتی نظارت و کنترل اجتماعی فراهم نیاید.

۶- جرایم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق: به لحاظ فقدان مالکیت رسمی و مشکلات جانبی آن در این مناطق همیشه جرایم یاد شده به وقوع می‌پیوندد و درصد بالایی از پرونده‌های مطرح شده در دادگاه‌های اصفهان نیز مربوط به همین جرایم و اختلافات است (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۴).



فرضیات تحقیق

فرضیه اول: بین درآمد خانواده حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان تحصیلات والدین خانواده حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین بیکاری حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین مهاجرت حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از بعد هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بوده که برای تأیید اعتبار آن از روش محتوایی با بهره‌مندی از نظر اساتید مدیریت و حقوق و برای تعیین پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده که مقدار آن ۰/۸۹ برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. جامعه مورد مطالعه کلیه ساکنان مناطق حاشیه‌ای شهر اصفهان بوده که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد نمونه ۲۳۵ خانوار از ساکنین انتخاب و پرسشنامه بین آنان توزیع گردید.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

۳۸.۴ درصد پاسخگویان این تحقیق را زنان و ۶۱.۶ درصد آنان را مردان تشکیل داده‌اند. میانگین سال‌های اقامت پاسخگویان در این مکان ۱۴ سال است. در ۳۱ درصد منازل پاسخگویان مورد بررسی، یک اتاق قابل سکونت موجود است، در ۴۵ درصد دو اتاق و تنها ۲۴ درصد پاسخگویان منازلی با سه اتاق قابل سکونت دارند. ۵۲ درصد پدران کارگر، ۷ درصد کارمند و ۱۶ درصد بازنشسته، ۱۵ درصد کشاورز و ۱۰ درصد بیکار هستند. در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، ۶۲ درصد در محله تولد خودشان سکونت داشته‌اند و ۳۸ درصد آنان از محله تولد خود نقل مکان کرده‌اند، و مهاجر محسوب می‌شوند.

الف) یافته‌های آماری

فرضیه اول: بین درآمد خانواده حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱- ضریب همبستگی بین درآمد و ارتکاب جرم

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنادار (sig)
۲۳۵	۰/۹۲	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان درآمد و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن نیز زیاد می‌باشد.

جدول شماره ۲- نتایج آزمون t یک نمونه ای جهت بررسی فرضیه اول تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	مقدار t	درجه زادی (df)	سطح معنادار (sig)
میزان درآمد	۲۳۵	۴/۸۹	۹۹	۰.۰۰۰

با توجه به اینکه مقدار t جدول (۴/۸۹) بیش از ۳ می باشد و همچنین چون sig (سطح معنا دار) نیز کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه اول تأیید می گردد و با احتمال ۰/۹۵ می توان گفت که میزان درآمد خانواده های حاشیه نشین بر ارتکاب جرم از سوی آنان تاثیر دارد.

فرضیه دوم: بین میزان تحصیلات والدین خانواده حاشیه نشینان و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳- ضریب همبستگی بین میزان تحصیلات والدین و ارتکاب جرم

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنادار (sig)
۲۳۵	۰/۸۰	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق می توان نتیجه گرفت که بین میزان تحصیلات والدین و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴- نتایج آزمون t یک نمونه ای جهت بررسی فرضیه دوم تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	مقدار t	سطح معنادار (sig)
میزان تحصیلات والدین	۲۳۵	۴/۷۵	۰.۰۰۰

با توجه به اینکه مقدار t جدول (۴/۷۵) بیش از ۳ می باشد و همچنین چون sig (سطح معنا دار) نیز کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه دوم نیز تأیید می گردد و با احتمال ۰/۹۵ می توان گفت که میزان تحصیلات والدین خانواده های حاشیه نشین بر ارتکاب جرم از سوی آنان تاثیر دارد.

فرضیه سوم: بین بیکاری حاشیه نشینان و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵- ضریب همبستگی بین بیکاری و ارتکاب جرم

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنادار (sig)
۲۳۵	۰/۹۵	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق می توان نتیجه گرفت که بین بیکاری و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۶- نتایج آزمون t یک نمونه ای جهت بررسی فرضیه سوم تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	مقدار t	سطح معنادار (sig)
بیکاری	۲۳۵	۵/۹۵	۰.۰۰۰

با توجه به اینکه مقدار t جدول (۵/۹۵) بیش از ۳ می باشد و همچنین چون sig (سطح معنا دار) نیز کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه سوم نیز تأیید می گردد و با احتمال ۰/۹۵ می توان گفت که بیکاری حاشیه نشین بر ارتکاب جرم از سوی آنان تاثیر دارد.

فرضیه چهارم: بین مهاجرت حاشیه نشینان و ارتکاب جرایم رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۷- ضریب همبستگی بین مهاجرت و ارتکاب جرم

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنادار (sig)
۲۳۵	۰/۷۹	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق می توان نتیجه گرفت که بین مهاجرت و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۸- نتایج آزمون t یک نمونه ای جهت بررسی فرضیه چهارم تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	مقدار t	سطح معنادار (sig)
مهاجرت	۲۳۵	۳/۹۶	۰.۰۰۰

با توجه به اینکه مقدار t جدول (۳/۹۶) بیش از ۳ می باشد و همچنین چون sig (سطح معنا دار) نیز کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه چهارم نیز تأیید می گردد و با احتمال ۰/۹۵ می توان گفت که مهاجرت بر ارتکاب جرم تاثیر دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری:

حاشیه نشینی جزء جریان دیرپا و تاریخی مهاجرت جمعیتی جویای کار و رفاه و گریزان از روستاها و شهرهای کوچک به لحاظ دافعه های آن و نیز پس رانده شدن فقرا از درون شهرها به حاشیه آن، چیز دیگری نیست و این فرایند معلول طبیعی توسعه است و تا زمانی که حاشیه ها در برابر شهرها قرار گیرد حاشیه نشینی پدیده ای ناهنجار و ناپذیرفتنی است ولی زمانی که به پیشینه تاریخی این پدیده نگریسته شود آن را یک جریان دائمی، ماندگار و گریز ناپذیر و حتی به عقیده برخی کارشناسان لازم و مفید برای توسعه می دانند.

یکی از یافته‌های این تحقیق رابطه بین میزان درآمد و ارتکاب جرم در بین حاشیه نشینان بوده است، همان گونه که درمبانی نظری اشاره شد، دیدگاه محرومیت بر تأثیر جرم‌زای فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد. یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری مناطق حاشیه نشین، مسئله پایین بودن میزان درآمد افراد ساکن در مناطق حاشیه نشین است. بنابراین از دیدگاه جغرافیای اقتصادی، این موضوع دارای اهمیت است. افراد مناطق حاشیه‌نشین که به دلایل مختلفی از داشتن درآمد بالا محروم هستند، به سختی قادرند تا حداقل معیشت را برای خود و خانواده شان تأمین کنند. مسائلی همچون بی سوادگی، ترک تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه، فقر مالی، فقر غذایی و سوء تغذیه، بیماری و ناراحتی های جسمی، اشتغال نامنظم، بیکاری و کارگری در مزارع و کارگاه های سنتی و نظایر اینها، باعث شده است تا افراد مناطق حاشیه‌نشین درآمد بالایی نداشته باشند.

عامل دیگری که رابطه معنی‌داری با ارتکاب جرایم اجتماعی داشت، بیکاری بود. افراد بیکار به دلیل نداشتن درآمد و تحمل فشارهای اقتصادی از یک‌سو، و فشارهای اجتماعی و روانی مترتب بر این امر از سوی دیگر، افکار نادرستی به ذهن شان خطور می کند و در نتیجه آنها به رفتارهای بزهکارانه و ارتکاب جرایم اجتماعی واداشته می شوند.

یکی از عوامل مهم در گرایش خانواده‌ها به اسکان در مناطق حاشیه‌ای شهر، پایین بودن نرخ خرید و اجاره‌بهای مسکن بوده است. برای دسترسی آسان‌تر افراد کم‌درآمد به مسکن مناسب در مناطق دلخواه شهری و کاستن از بار مشکلات فعلی، تعدیل نرخ خرید و اجاره مسکن و سامان‌دهی نظام اجاره نشینی ضروری به نظر می‌رسد. بهبود وضعیت عرضه و تقاضای مسکن ملکی و استیجاری در سطح شهر با به کارگیری ساز و کارهای مناسب، همراه با اعمال سیاست‌های حمایتی، نظارتی و کنترلی بهینه، در زمینه تأمین مسکن اجتماعی می‌تواند گره‌گشای نیازهای مسکونی گروه‌های کم‌درآمد شهری باشد. همچنین به منظور کاهش مشکلات موجود در بخش مسکن در سطح کشور، بایستی ضمن اجرای طرح‌های جامع منطقه‌ای و شهری و برنامه‌های میان مدت بخش مسکن در سطح ملی، بین آنها و فعالیت‌های ساخت و ساز در سطوح شهری ارتباط ایجاد کرد.

در مجموع یافته‌های این تحقیق نیز نشان داد که بین بیکاری، درآمد خانواده، مهاجرت، تحصیلات پدر و مادر و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد و این نتایج هم‌سو با نظریات قشربندی اجتماعی و به ویژه نظریه محرومیت و همچنین نظریه فشار بوده که مدعی است افراد به دلیل مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد تمایل زیادی به ارتکاب رفتار مجرمانه پیدا می‌کنند.

پیشنهادها:

- ۱- برای پیشگیری از روند رو به رشد مهاجرت از روستا به حاشیه شهرهای بزرگ در مورد ایجاد جاذبه‌های لازم در محیط روستایی با ایجاد اشتغال کشاورزان - بر طرف کردن نیازهای خدماتی و عمرانی روستائیان از سوی دستگاه‌های زیربط اقدام گردد.
- ۲- در محیط روستایی و با توجه به امکانات بالقوه محیطی نسبت به ایجاد و راه اندازی بنگاه‌های تولیدی و اقدامات کار آفرینی و جذب نیروی حوزه جغرافیایی آن و حمایت دولت اقدام شود.
- ۳- در مناطق حاشیه‌نشین موجود و با همکاری ارگان‌ها و سازمان‌های فرهنگی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی جهت بالا بردن سطح فرهنگ و علم ساکنان اجرایی گردد.
- ۴- با همکاری آموزش و پرورش و نهضت سواد آموزی خانواده‌های بی سواد یا کم سواد شناسایی و با ایجاد تسهیلات لازم و فراهم نمودن مکان‌های آموزشی مناسب نسبت به برگزاری کلاس‌های درسی برای افراد کم سواد و بی سواد در مناطق حاشیه‌نشین پیاده سازی و اجرایی گردد.
- ۵- با تحقیقات و بررسی‌های لازم افراد توانمند و دارای تخصص‌های مختلف در مناطق حاشیه‌نشین از سوی ارگان‌های مسئول شناسایی و به مراکز تولیدی هدایت شوند.
- ۶- با جذب جوانان جویای کار و علاقمند به حرفه‌گرایی و هدایت به مراکز فنی حرفه‌ای زمینه کسب مهارت و تخصص در ساکنان مناطق حاشیه‌نشین از سوی سازمان‌های دولتی فراهم گردد.
- ۷- به طور مستمر وضعیت مناطق حاشیه‌نشین توسط سازمانهای خدماتی و نظارتی مورد رصد واقع و ضمن جلوگیری از توسعه حاشیه‌نشینی، چالش‌ها و مشکلات فعلی

احصاء و با نگاه به آینده نیز معضلات آینده مناطق مذکور پیش بینی و در جهت کاهش آسیب پذیری‌های اجتماعی اقدام اساسی صورت گیرد.

۸- اقدامات انتظامی و برآوردهای اطلاعاتی از سوی نیروی انتظامی و دستگاه‌های امنیتی در جهت ایجاد حساسیت در کارگزاران و تصمیم گیران کشور جهت اتخاذ تصمیمات لازم در موضوع مهاجرت و حاشیه‌نشینی و اثرات آن به طور مستمر انجام شود.

۹- با ایجاد تسهیلاتی پس از جمعیت شناسی لازم در مناطق حاشیه‌نشینی در جهت بهبود معیشت ساکنان مناطق حاشیه‌نشین نظیر کمک‌های نقدی و غیر نقدی و ارائه برخی خدمات عمومی رایگان مانند: تغذیه افراد نیازمند، بیمه اشخاص، خدمات بهداشتی و تحت پوشش قرار دادن نیازمندان از طریق کمیته امداد، اقدام شود.

منابع

- آقابخشی، حبیب‌اله (۱۳۸۲)، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، تهران: نشر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، جلد اول و دوم
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت
- اسدالهی، عبدالرحیم (۱۳۸۴)، حاشیه‌نشینی و جرم، مقایسه موردی کوی سیدخلف و کیانپارس، اهواز: شورای تحقیقات زندانهای خوزستان
- پارسا پژوه، سپیده (۱۳۸۱)، نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی؛ مطالعه موردی: اسلام آباد کرج، فصلنامه رفاه اجتماعی، نشر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- حکمت نیا، حسن و افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۸۹)، حاشیه‌نشینان و ارتکاب جرایم اجتماعی؛ مطالعه موردی شهرستان یزد، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲
- ربانی خوراسگانی، رسول، عریضی، فروغ السادات، وارثی، حمیدرضا، حسینی محمدرضا (۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری مساله حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، نشریه جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان ۱۳۸۵، دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ پنجم
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۰)، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۳)، توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد اول و دوم، چاپ چهارم
- ستوده، هدایت‌اله (۱۳۷۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور، چاپ چهارم
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی انحراف اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ یازدهم
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی شهری، تهران: نشر آگاه
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳)، چکیده آثار آنتونی گیدنز، تهران: نشر ققنوس
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، چاپ دهم



- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ پنجم
- محمدی، یاسر، رحیمیان، مهدی، موحد محمدی، حمید، طرفی، عبدالحسن (۱۳۸۷)، بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوهدشت استان لرستان، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی شماره ۶۶، موسسه جغرافیا دانشگاه تهران
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی وزارت کشور
- میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.